نلی زاکس

ظروفی، محمد

نلی زاکس در یک خانوادهء یهودی به سال 1891 در برلین بدنیا آمد. او تنها فرزند پدر کارخانه‏دارش بود،و در بهار سال 1940،در آخرین لحظات‏ از چنگال نازی‏ها رهائی یافت و بکمک یکی از دوستان با مادرش به سوئد گریخت.

در آنجا نخست به آموختن زبان سوئدی پرداخت و سپس ضمن سرودن‏ اشعار آلمانی،دست بکار ترجمهء آثار ادبی سوئدی به زبان آلمانی شد.

نلی زاکس از سال 1933 بر اثر تعقیب و شکنجه یهودیان دچار تشنج‏های‏ شدید روحی و جسمی شد،و دو کتاب شعر نخستین وی سخت زیر این تأثیر است.

نلی زاکس به جوائز ادبی بسیار نائل آمد،از جمله در سال 1966 جایزهء ادبی نوبل به او و ساموئل یوزف،شاعر اسرائیلی تعلق گرفت،بخاطر:آثار غنائی و نمایشی که در آن با نیروئی مسحورکننده سرنوشت اسرائیل به تصویر درآمده است.

نخستین کتاب شعرش-همچنانکه یاد شد به سرنوشت دهشتناک یهودیان‏ اشاراتی مستقیم دارد-و بنام«در خانه‏های مرگ»به سال 1947 در آلمان‏ شرقی انتشار یافت.

شعرهای وی به اغلب زبانهای زنده ترجمه شده است.نلی زاکس گذشته‏ از شعر دارای آثار نمایشی نیز هست که برخی از آنها بصورت نمایشنامه‏های‏ رادیوئی به اجرا درآمده است.

و اینک برگردان دو قطعه شعر از دوران جوانی او:

باغ کودکی

آیا هنوز بیاد داری- که من از آن تو بودم. آنگاه که گیسوان من، بوی نفس‏های ترا میداد، و شبنمین و مرطوب‏ از اشکهای تو بود، آنگاه که شور عشق تو هستی‏ام را فراگرفته بود.

آنگاه که دست من، قهوه‏ای رنگ و کوچک همچون حیوانی، شن‏ها را می‏پراکند، و قلب را می‏آشفت- آیا هنوز بیاد داری؟- که آتش تنت، زانوانم را ز هم دریده بود... آه-من میدانم-اما تو چسان‏ می‏توانستی بدانی-

وداع

من در را باز گذاشتم. ؟آرام از پله‏ها پائین رفتم. می‏پنداشتم،صدایم میکنی. لیکن تو صدایم نکردی.

آه این بارانی است‏ بر چهرهء من‏ کن از کنار تو رفتم، ولی تو احساسش نکردی

دریغا که رفته‏ای- اما من هنوز پرسش‏های زیادی دارم‏ تو پاسخش را داشتی- دردا که آنرا بهمراه برده‏ای.

اکنون من اینجا نشسته‏ام،درمانده و تنها، با روح تیره و تار خود، سنگها را به آواز میگیرم. و آه دل از جگر برمی‏آورم.